

دکتر طاهره عظیمزاده^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

نخستین واکنش علمای مسلمان در برابر غرب

چکیده

در سده‌های ۱۱ و ۱۲ ق/ ۱۷ و ۱۸ م، شمار بسیاری از سفرا و نمایندگان سیاسی از طرف کشورهای استعمارگر اروپایی به سوی جهان اسلام روانه گردیدند. مدت‌ها طول کشید تا علمای مسلمان به اهداف استعماری آنها پی ببرند و عکس العمل نشان دهند. معمولاً این ماموران سیاسی را هیأت‌های تبلیغی مسیحی، همراهی می‌کرد. این هیأت‌ها به تبلیغ مسیحیت در بین مردم پرداخته و همچنین زمینه را برای پذیرش حکومت استعماری آماده می‌کردند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های هیأت‌های مسیحی نوشتن کتاب بر ضد اسلام بود. علمای مسلمان به پاسخگویی در برابر آنها پرداختند. این مقاله با پرداختن به فعالیت‌های مبلغان اروپایی بین مسلمانان ایران و هند و ردیه‌هایی که بر ضد اسلام نوشتند این نکته را روشن کرده است که نوشتن ردیه‌های علمای مسلمان بر ضد مبلغان مسیحی که همچون بازوی دولت‌های استعماری عمل می‌کردند نخستین واکنش علمای مسلمان در برابر غرب بود.

واژگان کلیدی

استعمارگران اروپایی، مبلغان مسیحی، علمای مسلمان، ردیه نویسی

۱- بخشی از این مقاله در مجله مقالات و بررسی‌های دانشکده الهیات دانشگاه تهران ش ۶۱ چاپ شده است.

مقدمه

ابتدا کشورهای پرتغال و اسپانیا به دست درازی در کشورهای مسلمان پرداختند سپس فرانسه و انگلستان به قدرت‌های استعماری پیوستند. کلیسا نیز در خدمت این قدرت‌ها در آمد ("Etudes Safavides", Hairy)

در اواخر قرن ۹ ق/ ۱۵ م، پاپ الکساندر ششم^۱، سرزمینهای را که تا آن تاریخ کشف و فتح شده بود، بین دو دولت استعاری اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد با این شرط که آن دو دولت در مسیحی ساختن مردم این سرزمین‌ها کوشش کنند (-"Missions", Spitz, 8/722)

خیمنز^۲ کشیش معروف که در بیرون راندن مسلمانان اسپانیا نقش مهمی داشت در سال ۹۲۲ ه/ ۱۵۱۶ م دستور داد که در لشکر کشی به سوی هندوستان باید مبلغان مسیحی شرکت داشته باشند (حائری، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران، ۴۷۰). به این ترتیب مبلغانی از پرتغال به ایران و هند آمدند. به ایران و هند آمدند. از مبلغان پرتغالی که به هند آمد، فرانسیس گزایه^۳ بود. وی بیش از یازده سال (از ۹۴۷ تا ۹۶۰ ه/ ۱۵۴۰ تا ۱۵۵۲ م) در هندوستان به تبلیغ مسیحیت پرداخت. در سال ۹۸۳ ه/ ۱۵۷۳ م نیز تعدادی از مبلغان مسیحی از پرتغال به جزیره هرمز در ایران آمدند.

دولت‌های فرانسه و انگلیس هم برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه و استعماری خود به ترویج آئین مسیحیت در کشورهای زیر دست خود پرداختند. لویی سیزدهم پادشاه فرانسه به نماینده خود لویی دهم^۴ که در سال ۱۰۳۶ ه/ ۱۶۲۶ م به ایران فرستاده شده بود اعلام کرد که هدف اصلی از اعزام او، برقراری مذهب کاتولیک در ایران و به دست آوردن تجارت و تفوق فرانسه در این کشور است. (همان، ۴۷۶) تأسیس کمپانی فرانسوی هند شرقی، مدیون اطلاعات و تجربیات یکی از همین کشیشان به نام رافائل

1-Pope Alexander

2-Ximenes

3-Francis Xavier

4- loviés des Hags

دومان^۱ بود که سال‌ها در ایران به سر برد (سال‌های ۱۰۵۵-۱۱۰۸هـ/ ۱۶۴۵-۱۶۹۶) و منافع سیاسی دولت استعماری فرانسه را فراهم کرد. وی آگاهی‌های خود را به صورت کتابی به نام کشور ایران در سال ۱۰۷۱هـ/ ۱۶۶۰ م به رشته‌ی تحریر در آورد و در اختیار دولت فرانسه گذاشت (میر احمدی، دین و مذهب در عصر صفویه، ۱۱۳).

در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری / هفدهم و هجدهم میلادی، مبلغان مسیحی از فرقه‌های اگوستین: شاخه‌ای از دومینیکن‌ها، کاپوسین شاخه‌ای از فرانسیسکن‌ها^۲، کراملی‌ها^۳ و به تدریج کشیشان پروتستان و یسوعی^۴ به سرزمین‌ها اسلامی سرازیر شدند این گروه‌های تبلیغاتی مذهبی، همچون بازوی کشورهای اروپایی در کشورهای شرقی عمل می‌کردند و زمینه را برای منافع استعماری آنها فراهم می‌آوردند. دکتر عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویاروئیهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ثابت کرده است که چگونه کلیسای کاتولیک، کشیشان آزموده خود را با برخورداری از پشتیبانی پادشاهان اروپا به دربار ایران و کشورهای خاور زمین فرستاد تا آن حاکمان بتوانند از راه‌های متعدد به خواسته‌های استعماری دست یابند.

^۱ - Raphael Du Mans

^۲ - دومینیکن‌ها (تأسیس در ۲۱۲۱۶ در ایتالیا) پیرو دومینیکن Domini و فرانسیسکن (تأسیس در ۱۲۰۹م) پیرو Francis (در گذشته ۱۲۲۶ م) دو فرقه از کاتولیک‌ها هستند که گرایش به رهبانیت داشته و سرلوحه‌ی تعالیم آنها فقر بود (برای آشنایی با اهداف و پیروان آنان رک راسل، تاریخ فلسفه غرب، ج ۱، ص ۶۳۰-۶۲۷).

^۳ - کرملی‌ها یا کرملیت‌ها Carmelite گروهی دیگر از کاتولیک‌ها هستند که در آغاز در کوه‌های کرملی فلسطین می‌زیستند و در عصر صفویه مبشران خود را به ایران اعزام کردند. C.F: Catholic Encyclopedia: Carmelite

^۴ - یسوعیان یا ژوزئیت‌ها Jesuits پیروان ایگناس لویدای قدیس Ignatus Loyda (در ۱۵۵۶م) می‌باشند و هدف اولیه آن‌ها تبلیغ و ترغیب حقیقت در مقابل بدعت بوده است و به جماعت از یاپ و انجام کارهای تبلیغی و تیشیری در بین غیر مسیحیان جهان مشهور بودند. این فرقه در قرن شانزدهم تا پایان سده هفدهم میلادی به شدت رشد کرده و تأثیر سیاسی عظیمی بر اروپای غربی داشتند (بوش و دیگران، جهان مذهبی ادیان، ص ۷۵۴).

وات^۱ پژوهشگر مشهور انگلیسی حدس می‌زند که امر تبلیغ دینی به دلیل آگاهی فزاینده‌ی مسیحیان از جهان غیر مسیحیت که از سیاست‌های استعماری ناشی گردید، مطرح شده باشد. او این تفکر را که نهضت تبلیغی را بازوی سیاست استعماری می‌داند تا اندازه‌ای مطابق با واقعیت می‌داند. (برخورد مسیحیان و مسلمانان، ۱۷۴)

بنجامین^۲ نخستین سفیر آمریکا در ایران به ارزش کار کشیشان در کشورهای اسلامی پی برده بود و آن را شبیه به قوای آرام و با نفوذ طبیعت دانسته که تخم را برداشته در میان خاک قرار می‌دهد و سال‌ها آن را با اشعه‌ی آفتاب و قطرات باران پرورش داده تا این که به درخت عظیم و قوی هیکل پر ثمری تبدیل شده که خود نیز به نوبت تخم‌های خود را در زمین پراکنده تا این که به جنگل بزرگی تبدیل می‌گردد (بنجامین، ایران و ایرانیان، ۴۲۰). آباد هند نیز در پاسخ به این دین، با وجود بی‌اعتنایی کارگزاران حکومتی به دین، می‌گویند چون مردم سخن افرادی مانند خود را به آسانی نمی‌پذیرند ناچار باید به نام دین و آئین و خدا، برنامه‌های استعماری را پیاده کرد تا در این حالت برای مردم فرمانبرداری و جانسپاری آسان شود. (شیروانی، بستان السیاحه، ص ۳۸۷)

بنابراین معلوم می‌شود که تبلیغ‌گران مسیحی نقش مهمی برای استعمارگران داشته‌اند.

واکنش علمای مسلمان در برابر استعمار و مبلغان مسیحی

علماء و اندیشمندان مسلمان به گونه‌ای آشکار به نقش استعماری غرب پی نبرده بودند و تا سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری / نوزدهم و بیستم میلادی که اهداف و نقشه‌های استعمار روشن گردید واکنشی مستقیم در برابر استعمار نشان ندادند. به نظر می‌رسد نخستین عکس‌العمل در برابر غرب از جانب علمای دینی، ردیه‌نویسی باشد که در واقع پاسخی بود در برابر کتاب‌های مبلغان مسیحی کارگزار استعمار در دفاع از مسیحیت نوشته بودند. زیرا همان گونه که ذکر شد در کنار فعالیت‌های دولت‌های

1 - Watt

2 - Benjamin

استعمارگر پرتغال و فرانسه و انگلستان در جهان اسلام، به ویژه ایران و هندوستان، میسیونرهای مذهبی این کشورها نیز به فعالیت پرداختند.

از مشهورترین مبلغان مسیحی که برای اثبات دین مسیح کتاب نوشت ژروم گزاویه^۱ پرتغالی (د ۱۶۱۷م) بود. او به لاهور و دربار اکبر شاه (۹۵۶-۱۰۴۱ هـ/ ۱۵۵۵-۱۶۰۵ م) و فرزندش جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ ۱۶۰۵-۱۶۲۷م) پادشاهان مغولی هندوستان راه یافت و کتاب حیات مسیح را به اکبرشاه تقدیم کرد که در اصل به زبان پرتغالی بود و آن را به کمک ادیب لاهوری ترجمه کرد (وصفی، "من لاهور الی اصفهان"، ش ۱۴، ص ۳۰۷) و کتابی نیز به نام آینه حق نما به فارسی به نام جهانگیر نوشت که در سال ۱۶۰۹ میلادی پایان یافت و منتشر گردید وی آن را به این جهت «آئینه حق نما» نامید که انسان خردمند و کنجکاو، بدی و خوبی مذهب خود را می تواند در آن مشاهده نماید. کتاب گزاویه دارای پنج باب است که هر باب فصولی دارد.

شیوهی کتاب به این صورت است که حکیم مسلمان با پادری مسیحی وارد بحث می شود و سئوالات خود را مطرح می سازد. شخص دیگری هم وجود دارد که ملاً خوانده می شود، او نیز از پادری سؤال کرده بر آئین مسیح ایراد وارد می کند، اما استدلال پادری بارها ملاً را به این اظهارات «خوب ثابت کردید» «بسیار بسیار پسندیده می نماید مرا آن چه از شما استماع نمودیم» وادار می کند. سرانجام حقایق سخنان پادری را پذیرفته و مسیحی می شوند. آن گاه پادری می گوید:

«منت مر خدای را که چشم ایقان شما را توتیائی بینائی بخشید و به نور ایمان منور گردانیده به سوی خود کشید. اکنون امیدواری به عنایت باری چنانست که توفیق بخشد شما را تا استقامت در راه این دین که از همه اولی و اصوب است به تمام اطاعت و کوشش بلیغ نمایید زیرا که بی شک و شبهه از این راه به دستگیری حضرت مسیح صاحب ما و به استمداد و استعانت دعاهای حضرت بی بی مریم مبارک پارسا که والده او و خداوند ماست به فردوس برین خواهید رسید. (گراویه، نسخه خطی)»

نسخه ای از کتاب «آئینه حق نما» در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد که مؤلف آن ناشناس است. اما در فهرست کتب خطی آن کتابخانه، نویسنده کتاب، پادری

1-Jerom Xavier

زیرو نیمو شاپویر ذکر شده است (ولایی، فهرست خطی، ج ۱/ص ۱)، که ظاهراً همان گزایوه است (حائری، نخستین رویاروییهای، ۵۰۲) کتاب «آئینه حق‌نما» توسط نویسنده آن تلخیص گردیده و به نام «منتخب آئینه حق‌نما» معروف است.

سید احمد علوی یکی از علمای اصفهان بر این کتاب ردیه‌ای به نام مصقل صفا در تجلیه حق‌نما در رد تثلیث نصاری نوشت. علوی از علمای عصر صفویه و شاگرد و داماد میرداماد و نواده محقق کرکی بود. وی تألیفاتی در زمینه‌های گوناگون از جمله فلسفه دارد، حدود چهل کتاب از او ذکر شده است. (علوی، مصقل الصفا، ۹۹-۱۰۲)

پروفیسور هانری کربن معتقد است که او به زبان عبری مسلط بوده و توانسته است کتاب عهد عتیق را شرح کند. وی احتمال می‌دهد که علوی ارتباط محرمانه با علمای یهود و احبار ایشان داشته است؛ به همین دلیل توانسته به خوبی زبان عبری را بداند (همانجا)

سید احمد علوی دو کتاب دیگر نیز در ردّ بر مذهب یهود و مسیحیت تألیف کرده بود به نام‌های صواعق رحمان در ردّ مذهب یهودیان و اللوامع الربانیّه فی ردّ شبه النصرانیّه کتاب نخست در ردّ مذهب یهودیان و در بیان تغییر تورات و زبور و سایر کتاب‌های ایشان است. سال نوشتن این کتاب معلوم نیست. ظاهراً باید قبل از تألیف مصقل صفا باشد. کتاب دیگر اللوامع الربانیّه در ردّ یکی از «قسيسان فرنگیان» نگاشته شده است و تاریخ تألیف آن محرم سال ۱۰۳۱ هـ / ۱۶۱۲ م می‌باشد. نام کشیش فرنگی مشخص نشده است (آریان، چهره مسیح در ادبیات فارسی، ۱۵۹)

کتاب گزایوه به وسیله‌ی مبلغان مسیحی به دست سید احمد علوی رسید (Rieu.1/4) و او که بنا به نوشته خودش حضرت مهدی(ع) را در خواب دیده و مأمور شده بود به کتابهای نصارا پاسخ گوید؛ اقدام به تألیف کتاب‌هایی بر ضد تبلیغات مسیحیان از جمله کتاب گزایوه کرد. زمان تألیف کتاب سال ۱۰۳۲ هـ ۱۶۲۲ م است و در آن سخنان گزایوه را در کتاب آئینه حق‌نما «خزعبلات» و «ترّهات» می‌خواند. وی می‌نویسد چون «آئینه به کدورت شبه و شکوک غبارآلود» بود «فلا محاله آن را حاجت به مصقلی افتاد که رنگش را حک و تجلیه و غبارش را محو و تصفیه کند» کتاب مصقل

صفا دارای یک مقدمه و سه فصل می‌باشد و با خطاب «یا معشر النصارى» کتاب‌های مقدّس و باورهای مسیحیان را نقد می‌کند (علوی، نسخه خطی).

بدین طریق علوی در برابر بخش مذهبی استعمار غرب واکنشی ستیزگرانه نشان داد و بر ضد مبلغان مسیحی اروپایی برخاست و در برابر نغمه‌های انحراف‌انگیز و گمراه کننده‌ای که از سوی دست‌اندرکاران برنامه‌های استعمار پرتغال در هندوستان به پا خاسته بود، سخت ایستاد و کیش استعمارگران اروپایی را بی‌پایه خواند.

کتاب علوی بر ضدّ مسیحیت مورد توجه نصاری واقع شد تا آنجا که مسیحیان کارملی^۱ را به فکر پاسخ انداخت. به این جهت کتاب او را به رم فرستادند؛ چندی بعد از آن یکی از مسیحیان فرقه‌ی فرانسیسکن به نام فیلیپ گواد گندلی^۲ پاسخی بر کتاب وی نوشت که در سال ۱۰۴۱ هـ/۱۶۱۳ در رم منتشر شد.

شخص دیگری به نام بونا وانتور مال والیا^۳ در همان ایام در سال ۱۰۳۸ هـ/۱۶۲۸ م، نیز جوابی بر ضدّ مصقل صفا نگاشت. یکی از دوستان گزایه هم کتابی در ردّ مصقل صفا نوشت به نام «آلایش‌های مصقل صفا» و ضمن ردّ سخنان علوی گفت که علوی کتاب «آئینه حق‌نما» را ندیده و جواب‌های او متکی بر منتخب آن کتاب بوده است.

کتاب فیلیپ گواد گندلی به ایران آمد و مجدّداً محرّک علما برای نوشتن کتاب‌هایی در ردّ مسیحیت گردید به طوری که سیصدسال پس از او هم علما از او یاد کرده و مطالبش را ردّ کردند. (ر.ک کاشانی، هدایه‌ی المسترشدين، ۴)

فرانسه قدرت استعماری دیگری بود که در سده یازدهم هجری / هفدهم میلادی در صدد نفوذ در کشورهای اسلامی بر آمد و کشیش‌هایی به شرق فرستاد. برای فرانسه دستیابی به هندوستان به علت توجه انگلستان به آن کشور مشکل بود. به این جهت به ایران و بین‌النهرین توجه کرد. جهت برقراری ارتباط بین ایران و فرانسه نقش فرقه‌ی کاپوسین‌ها^۴ بسیار چشمگیر است. کشیشان کاپوسین، اولین کسانی بودند که با ایران ارتباط برقرار کردند. در سال ۱۶۲۸ م، پاسیفیک دو پروونس^۵ از همین فرقه همراه

1- Cormelites
2-Philippo Guadagnolo
3-Bona Vanture Malvalia
4-Copuchin
5- pacifique de Provens

نامه‌هایی از سوی لویی چهاردهم به ایران آمد و در اصفهان اقامت کرد و به عنوان نماینده‌ی تاج و تخت فرانسه در آن جا باقی ماند (شوستر، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان ۹۳)

یکی دیگر از اعضای این فرقه، رافائل دومان بود. وی در سال ۱۶۴۷ م به شرق آمد و در ۱۶۵۱ م به اصفهان رسید و تا سال ۱۶۹۶ که درگذشت در ایران بود و در اصفهان دفن گردید از او آثار متعددی چون دفتر مکاتباتش، دفتر خاطرات او در رابطه با ژورنیت‌ها و اصفهان و کتابی تحت عنوان وضع ایران به سال ۱۶۶۰ م باقی مانده است رافائل بیش از پنجاه سال در ایران بود و به خاور شناسان و جهانگردانی که در خدمت استعمار فرانسه بودند. بی‌دریغ کمک کرد

تاورنیه^۱، شاردن^۲ و کمپفر^۳ (کمپفر، سفرنامه، ۸) هر یک درباره‌ی او نوشته و او را ستوده‌اند وی از مترجمان دربار بوده و در قراردادهای بین صفویان و اروپاییان نقش مهمی داشته است (همان، ۲۵۹) او در سال ۱۶۸۴ م برای کمپفر یک کتاب دستور زبان ترکی به لاتین و کتاب توصیفی از مملکت ایران را تألیف کرد^۴ (همان، ۸) هم‌چنین کتابی را برای کلبر، سیاستمدار فرانسوی به نام وضع ایران در سال ۱۶۶۰ م^۵ نوشت. رافائل دومان کتابی در رد اسلام نوشت اما همان طور که ذکر شد در خدمت دولتهایی اروپایی بود. او را از نخستین انتقال دهندگان مؤثر فرهنگ غرب در آن عصر دانسته‌اند. گابریل دوشینون یا گبرائیل افرنجی^۶، یکی دیگر از مبلغان این فرقه بود که کتابی در اثبات دین مسیح نوشت. او در سال ۱۶۵۱ م به اصفهان آمد. (ریشار، "مسیحیت و اسلام شیعی در قرن هفدهم" ش ۵۵ ص ۶۴) او که مدت‌ها در اصفهان و تبریز بسر برده بود، با زبان ترکی و عربی و فارسی آشنا گردید. کتاب خود را به زبان عربی نوشت و از ادله‌ی عقیده و نقلیه برای احقاق عقاید انصارا استفاده کرد. بر رد کتاب او، ظهیرالدین تفرشی از علمای عصر شاه سلیمان صفوی که مدتی نیز در گرجستان پیش‌نماز بود کتاب نصره‌الحق را نوشت.

1- Tavernaih

2- Chardin

3- Kaempfer

4- Desciptio Persia Communicate Dno Engelberto Kaempdreo. Ispanae. 1689.

5- Estat De La Prese En

6- Gabril de chinon

تفرشی از روش مناظره و سؤال و جواب برای رد آئین مسیح و اثبات دین اسلام استفاده کرد. این کتاب ابتدا مانند رساله‌ی افرنجی به عربی بود و چون شاه از تفرشی خواست که آن را به فارسی ترجمه کند، این کار انجام شد. بین تفرشی و افرنجی مجلس مناظره‌ای هم در گرجستان صورت گرفت (حائری، نخستین رویاروییها، ۴۸۷)

از کسانی که بر ضد مسیحیان کتاب نوشتند، علیقلی جدید الاسلام از علمای بزرگ مسیحی در عصر شاه سلطان حسین صفوی بود وی در مورد زندگی‌اش چنین می‌نویسد که ابتدا نصرانی بوده و بعد مطالعه و تتبع در کتاب‌های مسیحی داشته و «بعد از بطلان دلایل ایشان که بر حقیقت مذهب خود دارند به بینه و برهان عقلی اختیار دین حق» کرده است. علیقلی جدید الاسلام ابتدا مورد اعتماد نصاری و «سرآمد پادریان» آن‌ها بود. به طوری که گمان می‌کردند که «روح‌القدس در قلب» او طلوع کرده است (علیقلی، دست نوشته ۱۲۱۱۶) پس از مسلمان شدن، کتابی به زبان فرنگی در جواب اعتراضات آنها نوشت. بعد این کتاب را خود به فارسی ترجمه کرده و هدایه‌ی الضالین و تقویة المؤمنین نامید به این امید که:

« انشاء الله تعالی بعد از اتمام هم‌چنان که آن نسخه اولی به کار نصاری اگر عقل داشته باشند می‌آید. این نسخه فارسی نیز در میان شیعیان به یادگار مانده بعد از مطالعه بر حقیقت مذهب خود واقف و باعث مزید رسوخ ایشان گردد و از طریقه باطله نصاری اجتناب و احتراز لازم دانند (همان‌جا).

علیقلی کتاب دیگری به نام سیف المؤمنین دارد. وی این کتاب را در پاسخ تبلیغات میسونرهای اروپائی که در ایران بودند، نوشت. در این کتاب سعی او در این بوده که تحریفات کارگزاران کلیسا را افشا کند. وی به این دلیل که به زبان فرنگیان آشنا بود متوجه واژگون‌سازی‌هایی که یکی از پادریان نصارا در ترجمه‌ی کتب مقدس از لاتین به عربی مرتکب شده می‌گردد و پرده از آن بر می‌دارد. سر این تحریفات را علیقلی در دو مسأله عنوان می‌کند؛ یکی این‌که «مردم از روی آن ترجمه عربی بر مضامین فقرات تورات آگاه گردیده، ایشان را در رسوخ به طریقه باطل ملامت نکرده»، و دیگر این که وقتی علمای مسلمان خواستند بر اساس استدلال به کتب نصاری، دین آنها را رد کنند و حق بودن دین اسلام را ثابت کنند، چون زبان لاتین بلد نیستند، بر اساس آن ترجمه

عربی اقامه حجت می‌کنند «بنابر آن که ترجمه عربی موافق خواهش نصارا به قالب زده شده بود بعد از آن نصارا بر اجوبه و دلایل علمای اسلام مطلع گردیدند از روی استخفاف ردّ اقوال علما کرده، اظهار بی‌دانشی ایشان می‌کردند (علیقلی، دست نوشته ۶۷۳۱).

از جمله تحریفات پادری نصاری این بود که دیباچه جرانییم^۱ را به عربی ترجمه نکرد زیرا هر کس آن را می‌خواند «از آن دیباچه علم به بازیچه بودن کتب و طریقه نصاری به هم می‌رساند، و اعتمادش را نسبت به کتب آنها از دست می‌داد»، به این جهت علیقلی، تورات عربی را با لاتینی مقابله و دیباچه جرانییم را نیز به فارسی ترجمه کرد. پس از آن هر عبارتی را که به نظرش دلیل بر حقانیت دین اسلام و ردّ دین نصارا بود، تفسیر و تأویل کرد. به این ترتیب کتاب قطور سیف‌المؤمنین به وجود آمد. در آخر هم یادآور گردید که با «ترجمه این دوازده فصل رشته غدر نصاری و یهود را بالکلیه منقطع و اعضای مذهب باطل ایشان را به این سیف قاطع از یکدیگر منفصل گردانیدیم (همان، صفحه آخر).

مبلغ دیگری که بر ضدّ اسلام کتاب نوشت شزو کشیش فرانسوی بود. وی که نخستین سرپرست بنگاه یسوعیین به شمار می‌رفت، کتابی درد اثبات دین مسیح به فارسی نوشت و آن را به اعتمادالدوله، وزیر اعظم صفویه تقدیم کرد (شاردن، سیاحتنامه شاردن، ۹۱) اعتمادالدوله نیز از علما خواست تا مجالس مناظره با شزو ترتیب دهند. این مناظرات به مدت چند سال ۱۶۵۲م - ۱۶۶۳/۱۶۵۹ - ۱۰۷۰هـ طول کشید (حائری، نخستین رویاروییها، ۴۸۵).

به نظر می‌رسد که در قرن دوازدهم هجری/هجدهم میلادی مبلغانی که در خدمت انگلستان و یا درارتباط با آن کشور بودند، نقش اصلی را در جهت گسترش مسیحیت داشتند. یکی از این مبلغان به نام جرجس (د ۱۱۴۹/هـ - ۱۷۳۶ م) انگلیسی بود. او کتاب "مقاله فی الاسلام" را به زبان عربی نوشت. اصل کتاب به انگلیسی بوده که شخصی به نام هاشم آن را به عربی ترجمه کرده است. ترجمه‌ی کتاب به وسیله‌ی جمعیه الهدایه در

۱- منظور از جرانییم، همان جروم jerome یا قدیس هیرونیموس st. Hieronymus (د ۴۲۰م) است که به درخواست پاپ داماسوس Damasus کتاب مقدس را به زبان لاتین ترجمه کرد که بزرگترین آثار ادبی قرن چهارم میلادی به شمار می‌رود (رک، دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲۴، ص ۶۹).

مصر منتشر گردید. بعدها این کتاب نیز به ایران آمد و نویسندگانی بر ضد مطالب آن کتاب نوشتند. از جمله میرزا صادق فخرالاسلام که کتاب بیان‌الحق را در جواب او نوشت. شیخ محمد جواد بلاغی نیز کتاب الهدی الی دین المصطفی را در اثبات دین اسلام بر ضد باورهای جرجیس نوشت (آریان، چهره مسیح در ادبیات فارسی، ۲-۱۶۱) بلاغی از علمایی است که چندین کتاب بر ضد مسیحیت و یهودیت نوشته و به زبان عبری نیز وارد بوده است. کتاب دیگر او الرحلة المدرسیة. او المدرسیة السیارة نیز در ردّ این دو مذهب و فعالیت‌های کشیشان مسیحی است.

یکی دیگر از کشیشانی که در خدمت استعمار غرب بود ولی کتاب ننوشت و از طریق حرفه‌ی پزشکی سعی کرد در دل مردم نفوذ کرده و آنها را به مسیحیت بکشاند مسیو بازن^۱ از اعضای فرقه‌ی ژوزنیت است، وی که بنا به درخواست نادرشاه از پیرسون^۲ رئیس شرکت تجاری انگلستان، به عنوان طبیب نادر شاه به ایران آمد در خاطراتش آورده که چگونه توانسته است نادرشاه را گول بزند (افراسیابی، عقاب کلات و خاطرات طبیب مخصوص نادر، ۸۲۰) و تا پایان عمر نادر، به عنوان پزشک در کنار او بماند و لقب " طبیب اول " یابد.

به تدریج گسترش فعالیت این مبلغان مذهبی در ایران به آنجا رسید که درخواست آزادی فعالیت، توقف و سکنی و تدریس را در سراسر کشور داشتند. فرمان‌هایی برای آزادی فعالیت آنها از طرف حکومت صادر شد (قائم مقامی، یکصدوپنجاه سند تاریخی، ۶-۱۰۵). در سده دوازدهم هجری/ هجدهم میلادی فعالیت مبلغان چشمگیرتر به این جهت عکس‌العمل علمای مسلمان نیز بیشتر گردید تا آنجا که به صورت جنبشی درآمد. یکی از مبلغان انگلیس که در این هنگام در هند و ایران به سر می‌برد، هنری مارتین^۳ از پرتستان‌ها است. او در کمپانی هند شرقی انگلیس به عنوان کشیش ارتش به کار گرفته شده و در سال ۱۲۲۰ / ۱۸۰۵م به هندوستان آمد و نه ماه بعد به آنجا رسید، به شهرهای مختلف هند سفر کرد. گرانت^۴ رئیس شرکت هند شرقی در بنگال که در

1- Pere Bazin

2- pierson

3- Henry Martin

4 - Grant

مسیحی ساختن مردم هند با همکاری دیوید براون^۱ کشیش دیگر کوشش کرد به مارتین هشدار داد تا در آن سرزمین در میان بومیان هندی با دوراندیشی رفتار کند و زبان و رسوم و افسانه‌شناسی هند را نیک بیاموزد (حائری، نخستین رویاروییها، ۵۱۰). مارتین در شهرهای هندوستان اقداماتی انجام داد؛ از جمله در پاتنا چهار یا پنج آموزشگاه به هزینه‌ی خود تأسیس و سخنان مسیح را به زبان هندی ساده ترجمه کرد. در جاوینیور برای کسانی که به خانه او می‌آمدند و گاه تعداد آنها به بیش از پانصد تن می‌رسید، سخنرانی می‌کرد و آنان را پس از پرداخت صدقه به دین مسیح می‌خواند. وی در کلکته یک سخنرانی با عنوان هند مسیحی داشت (همان ۵۱۲). هنری مارتین مردم هند را به چهار دسته بت‌پرستان، مسلمانان، کاتولیک‌های وابسته به رم و کافران تقسیم کرد و همه آن‌ها را چهارچهره از اهریمن به شمار آورد. مارتین سپس در سال ۱۲۲۶هـ - ۱۸۱۱ م به ایران آمد.

وی با سرجان ملکم، سفیر انگلستان در ایران ارتباط داشت و بعد از ورود به ایران تحت حمایت سرگوراوزلی^۲ سفیر دیگر انگلستان قرار گرفت. اوزلی فراماسونر معروف نقش مهمی در اجرای سیاست استعماری انگلیس در ایران داشت و در معاهده‌ی گلستان به ضرر ایران کوشید. او طرفدار سیاست واگذاشتن ایران در ناتوانی و وحشیگری بود. حمایت اوزلی به‌عنوان کارگزار قدرتمند کشور انگلستان از مارتین نشان می‌دهد که تا چه اندازه فعالیت‌های مارتین به نفع سیاست استعماری انگلستان بوده است او در ایران به تبلیغ کیش مسیحیت و سست ساختن بنیاد باورهای مذهبی مردم پرداخت. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که هنری مارتین در طول اقامت شانزده ماهه‌اش (از مه ۱۸۱۱م تا سپتامبر ۱۸۱۲م) در ایران این وظایف استعماری را در چارچوب توانائی خویش به بهترین شیوه انجام داده است (حائری، نخستین رویاروییها، ۵۱۶).

مارتین جلسات بحث در شیراز تشکیل داد. سپس از یکی از مجتهدان شیراز خواست که پیرامون دلایل پیامبری پیامبر اسلام کتابی بنویسید و چون مجتهد مزبور چنین کرد، مارتین دو کتاب در پاسخ او نوشت، ظاهراً یکی از آنها همان «میزان الحق» است

^۱ - David Brown

^۲ - Sir Gore Ouzely

که شهرت زیادی کسب کرد. پس از آن سیلی از ردیه نویسی بر ضد مارتین جاری گردید که تا سال‌ها بعد از مرگ او ادامه داشت. علمای مذهبی، متصوفه و سیاستمداران بر ضد مارتین کتاب نوشتند. مشهور است که مجتهد معروف آن زمان میرزای قمی (د ۱۲۳۱ هـ / ۱۸۱۶ م) بعد از انتشار آرای مارتین رساله‌ای ناتمام بر ضد عقاید او نوشت و سخنانش را در مورد اسلام و مسیحیت رد کرد.

ملا احمد نراقی عالم معروف نیز کتابی به نام سیف الامه بر ضد باورهای مارتین نگاشت. برای نوشتن این کتاب، وی ده تن از خاخام‌های کاشان را دعوت کرد و به یاری آنان تعدادی از عبارات عهد عتیق و آثار مربوط به مذهب یهود را به فارسی بازگرداند (الگار، دین و دولت در ایران، ۱۹۸).

ملا علی نوری اصفهانی (د ۱۲۴۶ هـ / ۱۸۳ م) از علمای امامیه که با میرزای قمی روابط دوستانه داشته است، کتابی بر ضد مارتین نوشت. فتحعلی‌شاه و میرزا آقا بزرگ در تشویق او برای نگاشتن این کتاب نقش داشتند (مدرس، ریحانه الادب، ۲۴۶/۶) کتاب وی به نام: حجة الاسلام فی رد میزان الحق، مشهور است.

از صوفیان بزرگ، آقا محمدرضا همدانی متخلص به کوثر علیشاه هم دو کتاب بر ضد باورهای مارتین نوشت به نام‌های ارشاد المضلین فی اثبات نبوة خاتم النبیین و مفتاح النبوة کتاب دوم تکمیل‌کننده‌ی کتاب اول است لی^۱، استاد عربی دانشگاه کمبریج، دوازده سال بعد از مرگ مارتین چند تا از دیه‌های بین مسلمانان و مسیحیان را در کتابی به انگلیس ترجمه و به نام رسالات مربوط به مناظرات بین مسیحیت و آئین محمدی چاپ کرد. از جمله کتاب ارشاد المضلین همدانی را در این مجموعه قرار داد. لی کتابش را کوششی در راه آشکار کردن و دروغ انگاشتن دیدگاه‌های مذهبی مسلمانان ایران دانست (آریان، چهره مسیح در ادبیات فارسی، ۱۶۱).

از سیاستمداران، میرزا بزرگ قائم مقام (د ۱۲۳۹ هـ / ۱۸۲۴ م) کتاب اثبات النبوه را بر ضد مارتین و نظریات یهود و نصاری و اثبات پیامبری حضرت محمد(ص) نوشت. این کتاب به دستور فتحعلی‌شاه نوشته شد. کتاب‌هایی که بر ضد مارتین تألیف شدند بسیاریند که در این جا به نام تعداد دیگری از آنها اشاره می‌کنیم:

¹ - Lee

«ردّ پادری» کتابی است که سید محمد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی (د ۱۲۳۳ هـ/ ۱۸۱۸ م) بر ضدّ مارتین نوشته است. مؤلف الذریعه نام شش کتاب دیگر، از نویسندگان مختلف را ذکر می‌کند که به همین نام هستند (آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ۵/۱۰-۲۱۴).

«اثبات النبوة الخاصه» کتاب دیگری است که دیدگاه‌های یهودیان و مسیحیان را درباره اسلام و پیامبر آن نادرست می‌خواند. نویسنده‌ی این کتاب ظاهراً حاج محمد جعفر همدانی ملقب به مجذوب علی شاه کبوتر آهنگی (درگذشته ۱۲۳۹ هـ/ ۱۸۲۳) است.

نصره‌الدین از حاج محمد کریم‌خان (در گذشته ۱۲۸۸ هـ/ ۱۸۷۱ م) کتابی است بر ضدّ عقاید مسیحیان از جمله مارتین و یک پادری دیگر که در سال ۱۲۵۲ قمری نوشته شده است. (کرمانی، حسام‌الدین، ۴)

هدایه الجاحدین و هدایه المسترشدین دو کتاب از ملّا محمد تقی کاشانی هستند که بر ضدّ تبلیغات پادریان و سؤالاتی که آنان در ذهن مردم القاء کرده‌اند، می‌باشد. کاشانی از فقهای شیعه بود که به زبان عبری و یونانی آشنائی داشت. کتاب هدایة الجاحدین را در سال ۱۳۰۵ هـ/ ۱۸۸۷ م) تألیف کرد و در آن به هفت سوال پاسخ داد که برخی از سؤالات در کتاب پادری فرنگی «میزان الحق» مطرح شده بود (کاشانی، هدایة الجاحدین، چاپ سنگی)، کتاب هدایة المسترشدین هم در جواب مارتین و پادری فیلیپ که سیصد سال قبل از رساله‌ای بر رد قرآن و دین نگاشته بود (همو، هدایة المسترشدین، ۴).

یکی دیگر از مبلغان اروپائی که در نوشته‌های اسلامی به نام فاندِر یا فندر^۱ یاد شده است کتابی به نام میزان الحق یعنی همان کتاب هنری مارتین دارد.^۲ این کتاب و کتاب دیگر فاندِر به نام طریق الحیاء و مفتاح الاسرار، که در اثبات دین مسیح بودند. مورد نقد

^۱ - Pfänder

^۲ - همانمی کتاب مارتین و فاندِر این شبهه را ایجاد کرده که شاید فاندِر همان فیلیپ بوده که مارتین کتابش را بر اساس او تنظیم کرده است. (ر.ک علوی، مصلح الصفا ۳۳ قسمت پانوشت)؛ اما با توجه به مناظره‌ای که بین شیخ رحمت‌الله هندی در سال ۱۲۷۰ قمری و فاندِر وجود داشته است مشخص می‌شود که او نمی‌تواند فیلیپ که سال‌ها قبل از مارتین (درگذشته ۱۲۲۷ قمری) می‌زیسته است باشد.

علمای مسلمان قرار گرفتند. چون این دو کتاب ابتدا در کلکته چاپ شد، نخست علمای ساکن هند به پاسخگوئی پرداختند. سید علی حسن از اندیشمندان ساکن هند کتابی به نام استفسار بر ردّ فندر نوشت که در سال ۱۲۶۱ هـ/ ۱۸۴۴م چاپ شد.

فعالیت‌های فاندر در هندوستان سبب گردید که شیخ رحمت‌الله هندی از او دعوت به مناظره کند. مجلس مناظره در شهر اکبرآباد در سال ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۳م برقرار گردید. کتاب اظهار الحقّ حاصل این مناظرات است که به زبان اردو تنظیم شده و اساس بحث آن درباره‌ی تحریف و نسخ بود که به وسیله‌ی شیخ رفاعی الخولی به عربی ترجمه گردید. (اظهارالحق، چاپ ۱۴۱۲ ق)

در ایران هم افرادی به کتاب فاندر پاسخ گفتند از جمله میرزا یوسف قره‌داغی تبریزی است که کتابی به نام لسان‌الحقّ فی اثبات مظالم المسیحین به زبان فارسی نوشت و در سال ۱۳۳۶ قمری در ایران چاپ شد. مطالب آن در نقد و ردّ سخنان فندر و کتاب میران الحقّ او و نورتن^۱ یکی دیگر از پادریان فرنگ است

نتیجه

کشورهای اروپایی برای دستیابی به جهان اسلام و کشورهای شرقی علاوه بر فرستادن مأموران سیاسی، از مبلغان مذهبی کاتولیک و پروتستان نیز کمک گرفتند. ابتدا کشور پرتغال مبلغان مسیحی خود را به ایران و هند گسیل داشت. سپس فرانسه و انگلستان کشیشان خود را به شرق فرستادند. هدف این تبلیغ‌گران مسیحی کردن مردم بود. به این جهت به نوشتن کتاب بر ضد عقاید مسلمانان پرداختند. علمای مسلمان عکس‌العمل مستقیمی در برابر استعمار غرب نشان ندادند ولی به پاسخگویی در برابر فعالیت‌های کشیشان مسیحی پرداختند و به این طریق جلو پیشروی آن‌ها را گرفتند، تا آنجا که با همه کوشش‌ها و فداکاری‌هایی که مبلغان انجام دادند و با توجه به پشتیبانی قدرت‌های استعمارگر، موفق به مسیحی کردن مردم ایران و هند نشدند. به این طریق

۱- نورتن از متعصبین مسیحی بود که کتابی در سال ۱۸۳۷ میلادی در بوستن چاپ کرد و در آن تا حد توان از انجیل و کتاب مقدس حمایت کرده است (تبریزی، لسان‌الحقّ فی اثبات مظالم المسیحین ۲-۲۲۱)

علمای مسلمان در برابر بخش مذهبی استعمار غرب، واکنش ستیزگرانه نشان داده و از این جهت با برنامه‌های استعماری پرتغال و فرانسه و انگلستان مبارزه کردند.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. آریان، قمر، چهره مسیح در ادبیات فارسی، تهران: معین، ۱۳۶۹.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محمد، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۳. افراسیابی، بهرام، عقاب کلات و خاطرات طبیب مخصوص نادر، تهران: علمی ۱۳۷۸.
۴. الگار، حامد، دین و دولت ایران، نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم سری تهران: توس، ۱۳۶۹.
۵. البلاغی، محمدجواد، مدرسه سیار ترجمه الرحله المدرسه السیاره، ترجمه ع و بی‌جا نصر، بی‌تا.
۶. بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ایران و ایرانیان، خاطرات، سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران به سال ۱۸۸۳-۱۸۸۵ به اهتمام رحیم‌زاده تهران: گلبانگ ۱۳۶۱.
۷. بوش، ریچارد و دیگران، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز ترجمه عبدالرحیم گواهی: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۸. تبریزی، میرزا یوسف، لسان الحق فی اثبات مظالم المسیحین، تبریز، اسکندانی، ۱۳۳۶.
۹. حائری، عبدالهادی، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران به دو رویه تمدن بورژوازی غرب تهران، امیرکبیر: ۱۳۶۲.
۱۰. راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه‌ی نجف دریابندی، تهران: پرواز، ۱۳۶۵.
۱۱. ریشار، فرانسیس، «مسیحیت و اسلام شیعی، در قرن هفدهم» پیرامون اسنادی چند مربوط به میسیونرهای کاتولیک در ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، مشکوه، شماره‌ی ۵۴-۵۵، بهار و تابستان ۱۳۷۶، (ص ۸۶-۶۴)
۱۲. شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
۱۳. شوستر والسر، سیبیلای ایران از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه‌ی وحوشی غلامرضا و هرام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۱۴. شیردانی، زین‌العابدین، بستان السیاحه، تهران: چاپ افت، بی‌تا.
۱۵. علوی، احمدبن زین‌العابدین، «مصقل صفا» کتابخانه آستان قدس رضوی. خطی ش ۲۵۶ بی‌صفحه شمار.
۱۶. علوی عاملی، احمد مصقل صفا در نقد کلام مسیحیت تصحیح حامد ناجی اصفهانی قم: امیر، ۱۳۷۳.

۱۷. علیقلی جدیدالاسلام «سیف‌المومنین فی قتال المشرکین» دست نوشته کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۶۷۳۱، بی صفحه شمار.
۱۸. گردآوری قائم مقامی، جهانگیر. یکصد و پنجاه‌سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران: چاپخانه ارتش ۱۳۴۸.
۱۹. کاشانی تهرانی، محمد تقی، هدایه المسترشدین، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ق.
۲۰. _____، _____، هدایة الجاحدین، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۹ ق.
۲۱. کرمانی، محمدخان، حسام‌الدین در اثبات تحریف توریه و انجیل کرمان: سعادت ۱۳۵۳.
۲۲. کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر در ایران، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری تهران؛ خوارزمی، ۱۳۶۳ چاپ سوم.
۲۳. گزایه، ژروم «آئینه حق‌نما» دست نوشته کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۶۰۹ بی صفحه شمار.
۲۴. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او القب یاکنی و القاب تهران: ختام، ۱۳۷۴.
۲۵. میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفویّه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۶. وات، ویلیام مونتگمری، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهمان و سو تفاهمات، ترجمه‌ی محمد حسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۷. وصفی، محمدرضا «من لاهور الی اصفهان دائره الجدل الفکری بین الاسلام و المسیحیه» آفاق الحضاره الاسلامیه. ش ۱۴.
۲۸. ولایی، مهدی، فهرست خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۲۹. الهندی، رحمه‌الله بن خلیل الرحمن، اظهار الحق، ترجمه‌ی شیخ رفاعی الخولی، بیروت، علمیه، ۱۴۱۲ ق.

- 1) Hahiry, Abdul-Hadi. Etudes Safavides. Paris-Tehran: institut Francais De RechercheEn Iran. 1993
- 2) Rieu, Chartes, Catalogue of the Persian Manuscripts in the BritishMuseum. London: 1966
- 3) Spitz.M. "Missions: Chirstian, Roman Catholic" Encyclopaedia of Religion and Ethics, 1972